

بازخوانی چگونگی شکل‌گیری یگان موشکی سپاه که سبب نگرانی صهیونیست‌ها از توسعه آن شده است

دفاع ملی با معجزه الهی

گزارش

حمیدرضا بوجاریان
خبرنگار

به‌رغم رایج بودن خرید و فروش موشک و تجهیزات توپخانه در جهان، در زمانی که پهلوی‌ها در حال خرید تجهیزات گران قیمت نظامی بودند، ششاه اجازه نیافت تسلیحاتی را خریداری کند که سبب سر آمدی او در منطقه شود؛ گرچه محمدرضا تلاش زیادی کرد تا تجهیزات موشکی و توپخانه‌ای مدرنی از آمریکا خریداری دهد و این در حالی بود که عراق با تسلیح کامل نظامی و استفاده از موشک‌های دوربرد خود حتی تا مازندران ایران را در تیررس موشک‌های خود قرار داده بود و به آن حمله می‌کرد. این امکان برای ارتش و نیروهای دفاعی ایران فراهم نبود تا بتوانند موشک‌از کشور دیگری تهیه کنند یا نیروهای خود را برای ساخت موشک آموزش دهند؛ چراکه تا آن زمان در سازمان رزم کشور موشک جایگاه چندانی نداشت. اما چنانچه اتفاقی رخ داد که ایران اکنون به قدرتی برتر در حوزه موشکی تبدیل شده است و می‌تواند موشک‌هایی با برد نه ۸۰کیلومتر، بلکه چند هزار کیلومتر و با دقتی بالا، آن‌هم بدون کمک گرفتن از کشورهای دیگر بسازد و وارد فاز عملیاتی کند.

از شهریور سال ۵۹، ایران درگیر جنگی جهانی علیه خود شد. رژیم بعث عراق با استفاده از انواع تسلیحات نظامی مدرنی که از سوی غرب در اختیارشان قرار گرفته بود درحالی‌به ایران حمله کرد که سازمان نظامی و دفاعی کشور به واسطه وقوع انقلاب اسلامی در معادله‌ترین وضعیت خود قرار داشت؛ وضعیتی که مانع از عملیات راه‌به نفع عراق کرد و همین مسئله منجر به اشتباه محاسباتی صدام در ارزیابی موفقیت در حمله نظامی خود به ایران شد. عراق با ایجاد یگان توپخانه‌ای مدرن خود، عقبه نیروهای نظامی ایران، را هدف قرار می‌داد. با طولانی شدن روند جنگ، صدام علاوه بر استفاده از انواع سلاح‌های دوربرد برای هدف قرار دادن شهرهای ایران، از موشک‌های زیر فشار گذاشتن نیروهای ایرانی و وادار کردن، عقبه نیروهای نظامی ایران، را هدف قرار می‌داد. با این‌ر، توانمندی لازم برای مقابله به مثل کردن با آن را نداشت. شهید «حسن طهرانی‌مقدم» درباره چرایی ضعف سازمان دفاعی کشور می‌گوید: «عقبه‌های عراق در آن زمان به تهدیدبندی لازم را برای انجام این کار نداشتیم. ارتش هم آن زمان برای انجام عملیات بیرون‌مرزی خیلی سسرخط نبود؛ چون عقبه عراق با پدافند سختی مراقبت می‌شد و نمی‌توانستیم ریسک ذاتی شدن هواپیماهای محدودی را که در اختیار داشتیم، قبول کنیم؛ چون ممکن بود جنگنده‌های ما ساقط شوند.» موضوعی که شهید طهرانی‌مقدم درباره آن سخن می‌گوید، ضعف اساسی‌ای را در سازمان دفاعی کشور نمایان می‌کند.

راه‌اندازی یگان خمپاره‌ای و توپخانه‌ای سپاه
نیروهای زمینی ارتش و سپاه ایران از هیچ آتش پشتیبانی از تجهیزات خودی برای پیشروی و حمایت مقابل دشمن برخوردار نبودند. در چنین شرایطی، برای ایجاد موازنه و مشکل دادن جلقه حمایتی از نیروهای زمینی عمل‌کننده در جبهه‌ها، طهرانی‌مقدم طرح بدیعی را به شهیدحسین باقری ارائه می‌کند. او در این‌باره می‌گوید: «سال ۶۰ طرحی را به شهیدحسین باقری دادم که در آن شبکه‌ای کلاسیک که امروز از آن‌معنوان فرماندهی آتش پشتیبانی یاد می‌شود، اجرا شود. با این طرح، آتش خمپاره هم دارای ساختار فرماندهی می‌شد.» شهیدحسین باقری این موضوع را

قابل توجه می‌داند و با تأیید طرح حسن طهرانی‌مقدم، او را مأمور ایجاد این‌شبکه فرماندهی می‌کند. این طرح در عملیات طریق‌القدس اجرا و اثر مثبتی بر عملکرد نیروهای نظامی ایران بر جای می‌گذارد و عراق در این نبرد متحمل شکست سختی می‌شود. این پیروزی سبب می‌شود شهید حسن باقری، طهرانی‌مقدم را مأمور کند تا در همه یگان‌های رزمی سپاه این طرح اجرایی شود. حسن طهرانی‌مقدم در این‌باره می‌گوید: «سپاه برای نخستین‌بار بود که لذت فرماندهی آتش را در عملیات طریق‌القدس چشید. وقتی عملیات فتح‌المبین تمام شد، در حال ارائه گزارشم به آقا رشید بودم که به من لیخند زد و گفت سراغ توپخانه به‌سازماندهی آن بروم.» دلیل دستوری که رشید به طهرانی‌مقدم داده بود، مشخص بود. در عملیات فتح‌المبین ۱۸۴قیزنه توپ روسی باحجم بالایی از مهمات و تجهیزات به غنیمت سپاه درآمده بود. سپاه آن زمان ۹تپتپ داشت و ضروری بود توپ‌های حسن طهرانی‌مقدم ایجاد شود. پس از پایان عملیات یگان‌های رزمی ایران به‌کار گرفته ش‌وند و برای این کار کسی بهتر از حسن طهرانی‌مقدم نبود. فروردین سال ۶۲ واحد توپخانه‌ای کلاسیک سپاه به فرماندهی فتح‌المبین، تمام توپ‌های به غنیمت گرفته شده از عراق به محوطه شرکت نفت در ماهشهر منتقل می‌شود. بهمن چیره‌دست، یکی از افرادی است که به یگان توپخانه سپاه دعوت می‌شود. او درباره نخستین روز حضورش در این یگان می‌گوید: «وقتی وارد شدیم یک توپ ۱۵۲ به شکل ناقص جلویمان بود.

این توپ‌ها در عملیات، غنیمت گرفته شده بودند و برخی از آنها مشکل فنی داشتند؛ بدون اینکه اطلاع‌ی از نظر مشخصات آن داشته باشیم، خودمان به شکل تجربی قسمت‌هایی را که بلد بودیم تعمیر می‌کردیم. همان تعدادی را که می‌شد تعمیر کردیم و به عملیات فرستادیم.» با وضعیت پراخ جبهه‌ها و ادامه موشک‌باران شهرها و «جنگ شهرها» که بخشی از آن با حملات جنگنده‌های عراقی و موشک‌های «فراگ ۷» و «اسکاد بی» انجام می‌شد، مردم خواهان آن بودند که حملات موشکی به مثل پاسخ متقابل همراه شود؛ مسئله‌ای که مسئولان کشور را متقاعد کرده بود به هر شکل ممکن آن را محقق کنند. حضرت امام(ره) می‌شورتی که با فرماندهان نظامی و تأکید آنان برای مقابله به مثل پاسخ متقابل به حملات موشکی را دادند. بلافاصله حسن طهرانی‌مقدم مطلع او درباره آنچه قرار بود انجام شود، می‌گوید: «در قرارگاه بودم به‌عنوان فرمانده توپخانه و گفتند که گلوله‌های هشداردهنده منور را در بصره یزیند. با هماهنگی انجام شده با صدای برون‌مرزی جمهوری اسلامی اعلام کردیم که گلوله‌هایی که اکنون شلیک شده، هشدار است و بعد از آن از گلوله‌های جنگی استفاده می‌شود. این حمله در ۱۸بهمن۶۲اتفاق افتاد.»

ایده تأسیس یگان موشکی

بعد از عملیات خیبر، در میانه جلسه‌ای که برگزار شده بود، شهید حسن طهرانی‌مقدم بدون مقدمه از پیگیری برای ایجاد یگان موشکی صحبت و بر این نظر خود اصرار می‌کند. کسی تا آن زمان میان فرماندهان نظامی وقت به موضوع موشک و اینکه ایران از جبهه‌های خود از این تجهیزات نظامی استفاده کند، فکر نکرده بود. یگان توپخانه‌ای سپاه تازه شکل گرفته بود و بسیاری از فرماندهان با این موضوع مخالف بودند و اصرار کردند که طهرانی‌مقدم مسئولیت تیم توپخانه‌ای را برعهده داشته باشد. طهرانی‌مقدم در این جلسه از گلابه مردم و شعارهای آنان و خطاب قرار دادن امام(ره) که موشک جواب موشک و اینکه امام(ره) نمی‌تواند پاسخ مردم را بدهد، صحبت می‌کند. از همان جلسه طرح تأسیس یگان موشکی سپاه با این شرط که طهرانی‌مقدم

سیاسی



شهرت از مقدم

توپخانه‌ای سپاه بودند. سیدمهدی وکیلی، یکی از همین افراد است. او ماجرای دعوت شدنش را به گروه ۱۲ نفره هسته اولیه یگان موشکی سپاه اینطور می‌گوید: «حسن طهرانی‌مقدم خبر داد که باید به سوریه بروم. گفت باید آنجا افرادی آموزش موشکی ببینند و من هم باید این آموزش را فراگیرم. دستسور داد افرادی را انتخاب و مشخص کنیم هر کس برای چه کاری باید به سوریه برود.» ۴۳سال ۶۳. تیم ۱۲ نفره‌ای از نیروهای توپخانه سپاه به‌اضافه طهرانی‌مقدم به سوریه اعزام می‌شوند و جمعشان ۱۳ نفر می‌شود. مهدی سیوندیان، یکی از اعضای این تیم ۱۳ نفره است که به موضوع جالبی اشاره می‌کند: «فرماندهان ارتش سوریه از وضعیت جبهه خبر داشتند. حضور ما مقارن با پیروزی‌های بی‌دری‌مان در جبهه شده بود. به این دلیل نظامیان سوریه به ما احترام می‌گذاشتند. گفتیم می‌خواهیم آموزش موشک‌های فراگ ۷ را ببینیم.» آموزش‌هایی که تیم ایرانی در خواست آن را دارد، پیچیده است و نیاز به زمان و نفرت زیادی دارد. ایرانی‌ها نه زمان داشتند و نه تعداد نفراتشان کافی بود. سیوندیان می‌گوید: «رف بسوری معتقد بود اگر همه‌چیز مرتب باشد حداقل ۶ماه زمان نیاز است. می‌گفتند هر موشک به ۵۰ متر نیرو برای آموزش نیاز دارد؛ در حالی‌که ما ۱۳ نفر بودیم و می‌خواستیم خیلی زودتر دوره آموزش تمام شود.

نقش رفیق دوست در معامله موشکی

وقتی حافظ اسد به تیم ایرانی خبری می‌دهد لیبی موشک‌های زیادی در اختیار دارد و می‌توان با مذاکره از آنها موشک خرید، «محسن رفیق دوست» که پیش از انقلاب ارتباط خوبی با قذافی داشت مأمور می‌شود برای خرید موشک‌ها رهبر وقت لیبی مذاکره کند. او ماجرای خرید موشک از قذافی را اینگونه می‌گوید: «وقتی به لیبی رفتیم دیدیم باید با مقدامی وارد ماجرا شوم و دست خالی نیاشم. در ابتدا با آقای «جلود» که دوست نزدیک قذافی بود و از انقلاب دفاع می‌کرد، دیدار داشتیم و به او گفتیم که به ما موشک بدهد. جلود گفت که موشک‌ها در اختیار قذافی است. بعد تر ترتیب

هم‌شهری

می‌اندیشیدند. برای یافتن مکان مناسب برای شلیک موشک‌ها، امیرعلی حاجی‌زاده مأمور می‌شود مکان مناسبی را برای این کار پیدا کند. در نهایت کرمانشاه و یادگان ششید منتظری را به‌عنوان نخستین پایگاه موشکی ایران انتخاب می‌کنند. با ورود موشک‌ها به ایران، این تصور ایجاد می‌شود که می‌توان آنها را به‌راحتی شلیک کرد. حسن طهرانی‌مقدم دلیل نادرست بودن این تصور را اینگونه شرح می‌دهد: «تیم مستشاری از سوی لیبی برای شلیک موشک‌ها به ایران آمده بود. ایراد کار این بود که می‌خواستیم با فرهنگ‌ی کار کنیم که با آن بیگانه بودیم؛ یعنی سیستم مستشاری که با روحیه ضداستکباری بچه‌های سپاه ههخوانی نداشت. عملکرد نامناسب و بداخلاقی تیم اعزامی از لیبی با آسکوی پرتاب و ۸فروند موشک را نمی‌توانستیم تحمل کنیم.» با وجود اینکه تیم ایرانی در سوریه آموزش موشکی را دیده بود، اما طهرانی‌مقدم با هوشیاری به اعضای تیم توصیه مهمی می‌کند. طهرانی‌مقدم تأکید کرده بود نباید مستشاران لیبیایی متوجه شوند که نیروهای ایرانی کار با موشک را یاد گرفته‌اند تا کم و کاستی‌های آموزش در سوریه را در تهران برطرف کنند. اسفندماه سال ۶۲، صدام مناطق مسکونی و غیرنظامیان را با موشک‌های خود هدف قرار می‌دهد. امام(ره) در این ایام به عراق اخطار می‌دهند. با این حال، عراق شدت عمل خود را افزایش می‌دهد. این اتمام حجت به‌دلیل اطمینان صدام از اینکه موشکی در اختیار ایران نیست، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در نهایت روز ۱۸ اسفندماه امام دستور شلیک را ابلاغ کردند. طهرانی‌مقدم درباره هدف انتخاب شده در این‌باره می‌گوید: «اسام(ره) تأکید کردند بغداد هدف نباشد و موشک اخطار شلیک شود؛ بنابراین تصمیم گرفتیم پالایشگاه کرکوک را بزنیم. ۱۱اسفند ۶۳ پالایشگاه را زدیم.» اصابت موشک، صدام را شوکه می‌کند. او در توجیه هدف گرفته شدن پالایشگاه مدعی بمبگذاری در آن می‌شود. پرتاب دوم موشک، بغداد را هدف می‌گیرد. «بانک را فادین» و سپس باشگاه افسران هدف سسومی است که مورد اصابت قرار می‌گیرد. صدام در نهایت می‌پذیرد ایران موشک دارد و می‌تواند از خود دفاع کند.

تغییر موضع لیبی و چالش شلیک موشک‌ها



چند هفته بعد از انجام عملیات موشکی ایران و توقف موشک برآنی صدام سمت ایران، سالگرد حزب بعث در بغداد برگزار می‌شود. قذافی نیز از سوی صدام به این مراسم دعوت شده است. شخصیت چند وجهی قذافی سبب می‌شود که او در این مراسم به صدام قول دهد که از این پس حتی یک موشک از سوی ایران به عراق شلیک نشود. صدام با کابینه وزرای خود جلسه می‌گذارد و در یک دست خود خاک عراق و در دست دیگرش یک جلد کلام‌الله می‌گیرد و می‌گوید: «اگر مسلمانانید به این قرآن و اگر وطن‌پرست هستید به این خاک، از امروز هیچ موشکی از سمت ایران به عراق نخواهد آمد.» بلافاصله بعد از چرخش مواضع قذافی، به تیم مستشاری لیبیایی‌های حاضر در ایران مأموریت داده می‌شود تا در سیستم فنی موشک‌ها خرابکاری کنند تا رفیق دوست خبر ندهد. تیم لیبیایی بر خاست سیستم‌ها را خراب و برخی قطعات را نیز به سرقت می‌برند. مهدی سیوندیان، از رزمندگان تیم موشکی آقای رفیق دوست خبر دادیم که با مستشاران لیبی مشکل داریم. در نهایت متوجه شدیم نمی‌توانیم روی کمک لیبی برای شلیک موشک‌ها حساب کنیم.» در همین ایام، صدام با اطمینان از اینکه دیگر موشکی به عراق شلیک نمی‌شود، شدیدترین حملات موشکی را به ایران آغاز کرد.

شهادت پدر موشکی ایران و یادگاری که باقی ماند



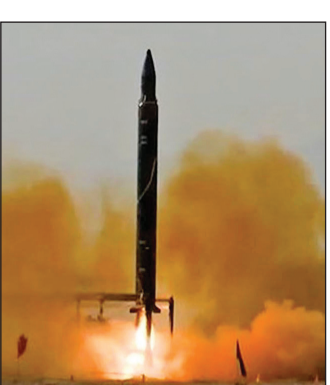
حسن طهرانی‌مقدم ۱۲۱آبان سال ۹۰ درحالی‌که مشغول به اتمام رساندن یکی از مهم‌ترین پروژه‌های راهبردی خود بود، بر اثر سانحه‌ای با جمع یاران شهیدش بیوست. بر سنگ مرز شهید طهرانی‌مقدم نوشتند: «اینجا قبر کسی است که می‌خواست اسرائیل را نابود کند.» توصیه‌ها و راهنمایی‌های رهبر انقلاب چه در دوران ریاست‌جمهوری و چه در دوران رهبری، اراده طهرانی‌مقدم را در موشکی شدن ایران استوار تر کرد و اگر اراده‌های او و یارانش نبود، امروز ایران فاقد موشک‌های متنوع و قدرتمند استیک و کروز بود؛ از این رو موشک را باید یادگار قطعی طهرانی‌مقدم دانست؛ چراکه او موشک‌ها را به کار انداخت، مهندسی معکوس کرد و در نهایت موشک‌های بومی را ساخت. موشک را یادگار کسی دانستن که تنها در زمان جنگ توصیه به خرید آن داشت و در پایان خود اعتقادی به توان موشکی نداشت و معتقد بود که نباید برای موشک و تجهیزات نظامی هزینه کرد، تحریف تاریخ است. اراده طهرانی‌مقدم موجب شد تا ایران به صنعت موشکی دست یابد و اگر اراده، اصرار و سختکوشی او و هم‌راهانش نبود، پس از خروج لیبیایی‌ها از ایران و تمام شدن موشک‌های خریداری‌شده، ایران از حوزه موشکی متوقف می‌شد. امروز ایران جزو چند قدرت برتر موشکی دنیاست و اگر روز گاری مجبور بودیم برای شروک کار، از موشک بحیریم و در سوریه آموزش ببینیم، حالا این یگان بعد از کمتر از ۴دهه به قدرت اول منطقه تبدیل شده است. آخرین دستاورد موشکی ایران نیز ساخت موشک‌های «هاپرسونیک» است که خارج از جو، قدرت مانور دارد و هیچ سامانه پدافندی قادر به رهگیری و انهدام آن نیست؛ دستاوردی که اکنون در اختیار تنها چند کشور محدود است و ایران با دستیابی به آن، گام بلند دیگری به‌سوی افزایش اقتدار دفاعی – موشکی خود برداشته است.

ساخت موشک‌های تمام ایرانی

جنگ تابستان سال ۶۷ به پایان رسید، اما توسعه توان موشکی ایران متوقف نشد. کار ساخت موشک‌های سسوخ مایع و جامد همراه با هم آغاز شد. موشک شهاب یک با کپی برداری از موشک «اسکاد بی» و کمتر از ۳سال بعد موشک شهاب ۲ با بُرد ۵۰۰کیلومتر ساخته شدند، اما طهرانی‌مقدم به‌دنبال ساخت موشک‌هایی بود که بردشان تا سرزمین‌های اشغالی فلسطین باشد. موشک‌های قبلی در چندین مرحله اصلاح و تکمیل شد تا اینکه به بردهای ۱۶۵۰ و ۲هزار کیلومتری رسید و طهرانی‌مقدم و نیروهایش دیگر از مرحله کپی‌برداری عبور کرده و به مرحله طراحی موشک‌های مختلف رسیدند. پس از مدتی رهبر انقلاب به طهرانی‌مقدم و نیروهای موشکی تأکید کرد که موشک‌ها نقطه‌زن شوند. خطای موشک‌ها به ۱۰ متر کاهش پیدا کرد. اما یار رهبری تأکید کردند باید کمتر شد. موشک تا تأکیدات چندباره رهبری خطای موشک‌ها به کمتر از ۰۰ متر کاهش پیدا کرد و برای نخستین‌بار از موشک بالستیک علیه شناور استفاده شد.



آغاز خود کفایی در صنعت موشکی



شورای‌عالی جنگ در چنین مقطعی به حسن طهرانی‌مقدم مأموریت می‌دهد به هر شکل ممکن موشک‌ها را آماده شلیک کند تا پاسخ صدام داده شود. طهرانی‌مقدم در این‌باره می‌گوید: «بچه‌های شهیدهمت و پژوهش نیروی هوایی را آوردیم دل و روده موشک‌ها را بیرون ریختیم تا مشکل را برطرف کنیم. هاشمی رفسنجانی به‌عنوان فرمانده جنگ مستقیم روزانه و حتی در روز چند متر تبه ما تماس می‌گرفت که تکلیف موشک‌ها چه شد؟» فشار سنگین مسئولان تر از اول کشور به تیم موشکی

سپاه ۱۷روز طول می‌کشد. در چنین شرایطی ارتباط ایران با کره شمالی برقرار می‌شود. این کشور می‌پذیرد به ایران موشک و تجهیزات بفروشد. امیرعلی حاجی‌زاده به کره شمالی سفر می‌کند و تیمی از اعضای یگان موشکی سپاه نیز به این کشور می‌روند و کلیدهای حساس برای انفجار سر جنگی موشک را که مستشاران لیبیایی آن را به سرقت برده بودند، خریداری می‌کنند. با وارد شدن کلیدهای حساس موشک‌ها به ایران و بهره‌گیری از آموزش‌های ارائه شده در سوریه، مشکلات فنی مربوط به شلیک موشک‌ها برطرف می‌شود. طهرانی‌مقدم در این‌باره می‌گوید: «خودمان بخشی از تجهیزات را ساخته بودیم و جایگزین قطعاتی کردیم که نداشتیم. این قطعات هنوز هم هایتک است که در آن زمان با معجزه و اراده الهی ساختیم. با مجوزی که گرفتیم نخستین موشک ایرانی را ۶صبح روز ۵دی۱۳۶۵شلیک و صدام را وادار به قبول شکستی کردیم. شلیک موشک‌ها تا سال ۴دهامه یافت و آخرین موشک در فروردین این سال شلیک شد.»